

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۵۶

آیه ۱۰۵

آیه و ترجمه

۱۰۵ - و لا تكونوا كالذين تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البينات واولئك لهم عذاب عظیم

ترجمه :

۱۰۵ - و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند، (آن هم) پس از آنکه نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید! و آنها عذاب عظیمی دارند.

تفسیر :

در این آیه مجدداً بحث در پیرامون مسأله اتحاد و پرهیز از تفرقه و نفاق است، این آیه مسلمانان را از اینکه همانند اقوام پیشین، همچون یهود و نصاری، راه تفرقه و اختلاف را پیش گیرند و عذاب عظیم برای خود بخرنند بر حذر می‌دارد، و در حقیقت آنها را به مطالعه تاریخ پیشینیان، و سرنوشت دردناک آنها پس از اختلاف و تفرقه دعوت می‌کند.

می‌فرماید: «و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند (آن هم) پس از آنکه نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید! و آنها عذاب عظیمی دارند» (و لا تكونوا كالذين تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البينات و اولئك لهم عذاب عظیم).

اصرار و تاءکید قرآن مجید در این آیات، درباره اجتناب از تفرقه و نفاق، اشاره به این است که این حادثه در آینده در اجتماع آنها وقوع خواهد یافت زیرا هر کجا قرآن در ترساندن از چیزی زیاد اصرار نموده اشاره به وقوع و پیدایش آن می‌باشد.

پیامبر اسلام نیز این پیش‌بینی را قبلاً کرد و صریحاً به مسلمانان خبر داد که: «قوم یهود بعد از موسی ۷۱ فرقه شدند و مسیحیان ۷۲ فرقه و امت من بعد از من ۷۳ فرقه خواهند شد».

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۵۷

ظاهراً عدد ۷۰ اشاره به کثرت است و به اصطلاح «عدد تکثیری» است نه

«شمارشی» یعنی در میان یهود یک طایفه بر حق بودند و «طوائف زیادی» بر باطل، در میان مسیحیان طوائف باطل فزونی گرفتند و حق همچنان در یک طایفه بود، و در میان مسلمانان اختلافات باز هم فزونی خواهد گرفت.

و طبق آنچه قرآن مجید اشاره کرده و پیغمبر اکرم نیز خبر داده بود مسلمانان بعد از وفات او از طریق مستقیم که یک راه بیش نبود منحرف شدند در عقاید مذهبی و حتی در خود دین پراکنده گشتند و به تکفیر یکدیگر پرداختند، تا آنجا که در میان آنان گاه شمشیر، و گاه سب و لعن حکومت می کرد، کار بجائی کشید که بعضی از مسلمانان جان و مال همدیگر را حلال می دانستند و حتی بقدری میان مسلمانان عداوت و دشمنی ایجاد شده بود که بعضی حاضر می شدند به کفار پیوندند و با برادران دینی خود جنگ کنند!

بدین ترتیب اتحاد و وحدت که رمز موفقیت مسلمانان پیشین بود به نفاق و اختلاف مبدل گشت، در نتیجه زندگی سعادت‌مندانه آنان به یک زندگی شقاوت بار تبدیل شد، و عظمت دیرین خود را از دست دادند. اما عذاب آخرت آن چنان که خدا در قرآن بیان کرده است فوق العاده از این عذاب هم شدیدتر خواهد بود و در انتظار تفرقه اندازان و اختلاف‌گرایان است.

لذا در پایان آیه می‌فرماید «کسانی که با بودن ادله روشن در دین چنان اختلاف کنند به عذاب عظیم و دردناکی گرفتار می گردند»، (اولئک لهم عذاب).

بی شک نتیجه فوری اختلاف و نفاق ذلت و خواری است و سر ذلت و

---

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۵۸

خواری هر ملت را در اختلاف و نفاق آنان باید جستجو کرد، جامه‌ای که اساس قدرت و ارکان همبستگی‌های آن با تیشه‌های تفرقه در هم کوبیده شود، سرزمین آنان برای همیشه جولانگاه بیگانگان و قلمرو حکومت استعمارگران خواهد بود، راستی چه عذاب بزرگی است!

---

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۵۹

## آیه و ترجمه

۱۰۶ - یوم تبیض وجوه و تسود وجوه فاما الذین اسودت وجوههم اکفرتم بعد ایمنکم فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون

۱۰۷ - و اما الذین ابیضت وجوههم ففی رحمة الله هم فیها خلدون

ترجمه :

۱۰۶ - (آن عذاب عظیم) روزی خواهد بود که چهره‌هایی سفید، و چهره‌هایی سیاه می‌گردد، اما آنها که صورتهایشان سیاه شده، (به آنها گفته می‌شود): آیا بعد از ایمان (و اخوت و برادری در سایه آن) کافر شدید؟ پس بچشید عذاب را، به سبب آنچه کفر می‌ورزیدید!

۱۰۷ - و اما آنها که چهره‌هایشان سفید شده، در رحمت خداوند خواهند بود، و جاودانه در آن می‌مانند

## تفسیر

### چهره‌های نورانی و تاریک

به دنبال هشدار که در آیات سابق درباره تفرقه و نفاق و بازگشت به آثاردوران کفر و جاهلیت داده شد، در این دو آیه به نتایج نهائی آنها اشاره می‌شود که چگونه کفر و تفرقه و نفاق و بازگشت به جاهلیت، موجب روسیاهی است و چگونه اسلام و ایمان و اتحاد و صمیمیت موجب روسفیدی است.

نخست می‌گوید: «در روز رستاخیز چهره‌هایی نورانی و چهره‌هایی تاریک و سیاه خواهد بود»، (یوم تبیض وجوه و تسود وجوه) سپس می‌فرماید: به آنها که چهره‌های سیاه و تاریک دارند گفته می‌شود: «چرا بعد از ایمان، راه کفر را پیمودید و چرا بعد از اتحاد در پرتو اسلام، راه نفاق و

---

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۶۰

جاهلیت را پیش گرفتید؟ پس اکنون بچشید عذاب را در برابر آنچه کفر ورزیدید»، (فاما الذین اسودت وجوههم اکفرتم بعد ایمانکم فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون). ولی در مقابل آنها مؤمنان متحد، غرق در دریای رحمت الهی خواهند بود و جاودانه در آن زندگی آرام بخش بسر می‌برند. بارها یادآور شده‌ایم که حالت و کیفیات زندگی انسان و پاداش و کیفرهای

اودر جهان دیگر تجسمی از اعمال و روحيات و افکار او در این جهان است، و به تعبیر دیگر: هر کاری که از انسان در این جهان سر می‌زند آثار وسیع و گسترده‌ای در روح انسان باقی می‌گذارد که در این دنیا ممکن است به آسانی درک نشود، ولی در رستاخیز، پس از دگرگونیها و تکاملهایی که در آن رخ می‌دهد. با واقعیت حقیقی خود جلوه می‌کند و چون در آنجا حاکمیت و تجلی روح بیشتر است آثار آن حتی در جسم منعکس خواهد شد. همانطور که ایمان و اتحاد در این جهان مایه رو سفیدی است، و به عکس، ملت پراکنده و بی‌ایمان مردمی رو سیاهند، در جهان دیگر این رو سیاهی و رو سفیدی مجازی دنیا شکل «حقیقی» به خود می‌گیرد، و صاحبان آنها با چهره‌ای سفید و درخشان، و یا سیاه و تاریک محشور می‌گردند. در آیات دیگر قرآن نیز به این حقیقت اشاره شده از جمله درباره کسانی که پشت سر هم مرتکب گناه می‌شوند می‌خوانیم: «کانما اغشیت وجوههم قطعاً من اللیل مظلماً، گوئی صورت آنها را پاره‌ای تاریک شب پوشانیده است (سوره یونس آیه ۲۷). و درباره آنهایی که بر خدا دروغ می‌بندند می‌فرماید: «و یوم القيامة ترى الذین کذبوا علی الله وجوههم مسودة، در روز رستاخیز کسانی را که بر خدا دروغ بستند می‌بینی که چهره‌هایشان سیاه است! (سوره زمر آیه ۶۰) - و همه اینها بازتابی است

---

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۶۱

از اعمال آنها در دنیا. سپس به نقطه مقابل این گروه در آیه بعد اشاره کرده، می‌فرماید: «اما آنها که چهره‌هایشان سفید و نورانی است در رحمت خداوند جاودانه می‌مانند (و اما الذین ابیضت وجوههم ففی رحمة الله هم فیها خالدون). آری ایمان مایه رو سفیدی در دنیا و آخرت و سبب آرمیدن در رحمت الهی در هر دو جهان است.

---

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۶۲

آیه ۱۰۸ - ۱۰۹

آیه و ترجمه

۱۰۸ - تلک آیت الله نتلوها علیک بالحق و ما الله یرید ظلماً للعالمین

۱۰۸ - و لله ما فی السموت و ما فی الارض و الی الله ترجع الامور

ترجمه :

۱۰۸ - اینها آیات خدا است که به حق بر تو می خوانیم و خداوند (هیچگاه) ستمی برای جهانیان نمی خواهد.

۱۰۹ - و (چگونه ممکن است خدا ستم کند در حالی که) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است مال او است و همه کارها به سوی او باز می گردد (و به فرمان او است).

تفسیر

این آیه اشاره به بحثهای مختلف گذشته درباره اتحاد و اتفاق و ایمان و کفر و امر به معروف و نهی از منکر و نتایج و عواقب آنها کرده، می فرماید: «اینها آیات خدا است که بحق بر تو می خوانیم» تلک آیات الله نتلوها علیک بالحق).

سپس می افزاید: آنچه بر اثر تخلف از این دستورات دامن گیر افراد می شود، نتیجه اعمال خود آنها است «و خداوند به هیچ کس ستم نمی کند»، (وما الله یرید ظلما للعالمین)

بلکه این آثار شوم همان است که با دست خود برای خود فراهم ساختند. آیه بعد در حقیقت مشتمل بر دو دلیل بر عدم صدور ظلم و ستم از ناحیه خدا است نخست اینکه خدائی که مالک تمام هستی و موجودات این جهان می باشد ظلم و ستم درباره او مفهومی ندارد، کسی تعدی بدیگری می کند که فاقد چیزی باشد که دیگران دارند.

---

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۶۳

به علاوه ظلم و ستم درباره کسی مفهوم دارد که ممکن است بدون جلب رضایت او کاری صورت گیرد اما آن کس که تمام امور هستی از آغاز تا پایان به او باز می گردد و هیچکس بدون اذن او نمی تواند کاری انجام دهد ظلم و ستم از ناحیه او ممکن نیست.

قرآن می گوید: «و (چگونه ممکن است خدا ستم کند در حالی که) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است مال اوست و همه کارها به سوی او باز می گردد» و به فرمان اوست (و لله ما فی السموات و ما فی الارض و الی الله ترجع الامور).

---

### آیه ۱۱۰

#### آیه و ترجمه

۱۱۰ - كنتم خير امة اخرجت للناس تاءمرون بالمعروف و تنهون عن المنكر و تؤمنون بالله و لو امن اهل الكتب لكان خيرا لهم منهم المؤمنون و اكثرهم الفسقون

ترجمه :

۱۱۰ - شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شدید (چه اینکه) امر به معروف می کنید و نهی از منکر، و به خدا ایمان دارید، و اگر اهل کتاب (به چنین برنامه و آئین درخشانی) ایمان آورند به سود آنها است (ولی تنها) عده کمی از آنها با ایمانند و اکثر آنها فاسق (و خارج از اطاعت پروردگار) می باشند

تفسیر :

#### باز هم مبارزه با فساد و دعوت بحق

در این آیه بار دیگر مسأله امر به معروف و نهی از منکر و ایمان بخدا مطرح شده است، و همانطور که در تفسیر آیه ۱۰۴ گفته شد این آیه امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان یک وظیفه عمومی و همگانی ذکر می کند، در حالیکه آیه گذشته یک مرحله خاص از آنرا به عنوان یک وظیفه خصوصی و واجب کفائی بیان کرده است، که شرح آن را مبسوطا ذکر کردیم.

می فرماید: «شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده اند (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید» (کنتم خير امة اخرجت للناس تاءمرون بالمعروف و تنهون عن المنكر و تؤمنون بالله). نکته جالب توجه اینکه در این آیه مسلمانان به عنوان بهترین «امتی» معرفی شده که برای خدمت به جامعه انسانی بسیج گردیده است، و دلیل بهترین امت بودن آنها این ذکر شده که «امر به معروف و نهی از منکر می کنند و ایمان بخدا دارند»

و این خود می رساند که اصلاح جامعه بشری بدون ایمان و دعوت بحق و مبارزه با فساد ممکن نیست، و ضمناً از آن استفاده می شود که این دو وظیفه بزرگ با وسعتی که در اسلام دارد در آئینهای پیشین نبوده است.

اما چرا این امت بهترین امتها باید باشد آن نیز روشن است زیرا آنها دارای آخرین ادیان آسمانی هستند و آخرین دین روی حساب تکامل کامل‌ترین آنها است. در آیه فوق به دو نکته دیگر باید توجه نمود، نخست اینکه «کنتم» (بودید) به صورت فعل ماضی ذکر شده یعنی شما در گذشته بهترین امت بودید، درباره مفهوم این جمله گرچه مفسران احتمالات زیادی داده‌اند ولی بیشتر بنظر می‌رسد که تعبیر به فعل ماضی برای تاءکید است، و نظیر آن در قرآن مجید فراوان است که موضوعات مسلم در شکل فعل ماضی ذکر می‌شود و آنرا یک واقعیت انجام یافته معرفی می‌کند.

دیگر اینکه در اینجا امر به معروف و نهی از منکر بر ایمان بخدا مقدم داشته شده و این نشانه اهمیت و عظمت این دو فریضه بزرگ الهی است، به علاوه انجام این دو فریضه ضامن گسترش ایمان و اجرای همه قوانین فردی و اجتماعی می‌باشد و ضامن اجرا عملاً بر خود قانون مقدم است. از همه گذشته اگر این دو وظیفه اجرا نگردد ریشه‌های ایمان در دلها نیز سست می‌گردد، و پایه‌های آن فرو می‌ریزد، و بهمین جهات بر ایمان مقدم داشته شده است.

از این بیان نیز روشن می‌شود مسلمانان تا زمانی یک «امت ممتاز» محسوب می‌گردند که دعوت به سوی نیکیها و مبارزه با فساد را فراموش نکنند، و آن روز که این دو وظیفه فراموش شد نه بهترین امتند و نه به سودجامعه بشریت خواهند بود. ضمناً باید توجه داشت که مخاطب در این آیه عموم مسلمانان هستند، همانطور که سایر خطابات قرآن چنین است، و اینکه بعضی احتمال داده‌اند

---

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۶۶

که مخصوص مهاجران یا مسلمانان نخستین باشد هیچگونه دلیلی ندارد. سپس اشاره می‌کند که مذهبی به این روشنی و قوانینی با این عظمت منافعش برای هیچ کس قابل انکار نیست، بنابراین «اگر اهل کتاب (یهود و نصاری) ایمان بیاورند بسود خودشان است، اما متأسفانه تنها اقلیتی از آنها پشت پا به تعصبات جاهلانه زده‌اند و اسلام را با آغوش باز پذیرفته‌اند درحالیکه اکثریت آنها از تحت فرمان پروردگار خارج شده و حتی بشاراتی که درباره پیامبر در کتب آنها بوده نا دیده انگاشته و بر کفر و عصبیت خود همچنان باقی مانده‌اند. و لو آمن اهل الكتاب لكان خيرا لهم منهم المؤمنون و اكثرهم الفاسقون.

آیه ۱۱۱-۱۱۲

آیه و ترجمه

۱۱۱ - لن یضروکم الا اذی و ان یقتلوکم یولوکم الادبار ثم لا ینصرون  
۱۱۲ - ضربت علیهم الذلة این ما ثقفوا الا بحبل من الله و حبل من الناس و باو بغضب من الله و ضربت علیهم المسکنة ذلک بانهم کانوا یکفرون بایت الله و یقتلون الانبیاء بغير حق ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

ترجمه :

۱۱۱ - آنها (اهل کتاب مخصوصا یهود) هرگز نمی توانند به شما زیان برسانند، جز آزارهای مختصر، و اگر با شما پیکار کنند به شما پشت خواهند کرد (و شکست می خورند) سپس کسی آنها را یاری نمی کند.  
۱۱۲ - آنها هر کجا یافت شوند مهر ذلت بر آنان خورده است، مگر با ارتباط به خدا (و تجدید نظر در روش ناپسند خود) و (یا) با ارتباط به مردم (و وابستگی به این و آن) و در خشم خدا مسکن گزیده اند، و مهر بیچارگی بر آنها زده شده، چرا که آنها به آیات خدا کفر می ورزند و پیامبران را به ناحق می کشند اینها به خاطر آن است که گناه می کنند و (به حقوق دگران) تجاوز می نمودند.

شان نزول :

هنگامی که بعضی از بزرگان روشن ضمیر یهود همچون عبد الله بن سلام بایاران خود آئین پیشین را ترک گفته و به آئین اسلام گرویدند، جمعی از رؤسای یهود به نزد آنها آمدند و زبان به سرزنش و ملامت آنان گشودند و حتی آنها را تهدید کردند که چرا آئین پدران و نیاکان خود را ترک گفته و اسلام آورده اند؟ آیات فوق به عنوان دلداری و بشارت به آنها و سایر مسلمانان نازل گردید.

تفسیر :

این آیه به مسلمانانی که از طرف قوم کافر خود تحت فشار قرار گرفته بودند و آنها را به خاطر پذیرفتن اسلام نکوهش و احیانا تهدید می کردند بشارت می دهد که مخالفان هرگز نمی توانند زبانی به آنان برسانند، و زیان آنها



بسیار جزئی و کم اثر خواهد بود، و از بدگوئی زبانی و مانند آن تجاوز نمی کند. این دو آیه در حقیقت متضمن چند پیشگوئی و بشارت مهم به مسلمانان است که همه آنها در زمان پیامبر اکرم عملی گردید:

۱ - «اهل کتاب هیچگاه نمی توانند ضرر مهمی به مسلمانان برسانند، و زیانهای آنها جزئی و زودگذر است (لن یضروکم الا اذی)

۲ - «هرگاه در جنگ با آنها روبرو شوند سرانجام شکست خواهند خورد و پیروزی نهائی از آن مسلمانان است و کسی به حمایت از آنان بر نخواهدخواست (و ان یقاتلوکم یولوکم الادبار ثم لا ینصرون)

۳ - آنها هیچگاه روی پای خود نمی ایستند، و همواره ذلیل و بیچاره خواهند بود، مگر اینک در برنامه خود تجدید نظر کنند و راه خدا پیش گیرند یا بدیگران متوسل شوند و موقتا از نیروی آنها استفاده کنند. (و ضربت علیهم الذلة اینما ثقفوا).

طولی نکشید که این سه وعده و بشارت آسمانی در زمان خود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تحقق یافت، و مخصوصا یهود حجاز (بنی قریظه و بنی نضیر و بنی قینقاع و یهود خیبر و بنی المصطلق) پس از تحریکات فراوان برضد اسلام، در میدانهای مختلف جنگ با آنها روبرو شدند، و سرانجام همگی شکست خورده و متواری گشتند.

---

#### تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۶۹

«ثقفوا» در اصل از ماده «ثقف» بر وزن «سقف» و «ثقافت» به معنی یافتن چیزی با مهارت است، و به هر چیزی که انسان با دقت و مهارت به آن دست یابد گفته می شود. در جمله بالا قرآن مجید می گوید آنها در هر کجا یافت شوند مهر ذلت بر پیشانی آنها زده شده است!

گرچه در آیات فوق تصریحی به نام یهود نشده اما با قرائنی که در آیه و آیات سابق است و همچنین بقرینه آیه ۶۱ سوره بقره وارد شده و مشابه این آیه است و در آن تصریح به نام یهود گردیده، استفاده می شود که این جمله در اینجا نیز درباره یهود است.

سپس در ذیل این جمله می فرماید: تنها در دو صورت است که می توانند این مهر ذلت را از پیشانی خود پاک کنند نخست: «بازگشت و پیوند با خدا، و ایمان به آئین راستین او» (الا بحبل من الله) «و یا وابستگی به مردم و اتکاء به دیگران» (و حبل من الناس).

گرچه درباره این دو تعبیر «حبل من الله» و «حبل من الناس» مفسران احتمالات متعددی داده‌اند اما آنچه گفته شد با معنی آیه از همه سازگارتر است زیرا هنگامی که «حبل من الله» (ارتباط با خدا) در برابر «حبل من الناس» (ارتباط با مردم) قرار گیرد معلوم می‌شود منظور از آنها دو معنی متفاوت است، نه اینکه یکی از آنها به معنی ایمان آوردن و دومی به معنی امان و ذمه از طرف مسلمین باشد.

بنابراین خلاصه مفهوم آیه چنین می‌شود یا باید در برنامه زندگی خود تجدید نظر کنند، و به سوی خدا بازگردند و خاطره‌ای که از شیطنیت و نفاق و کینه‌توزی، از خود در افکار دارند بشویند، و یا از طریق وابستگی به این و آن به زندگی نفاق - آلود خود ادامه دهند.

سپس قرآن به ذلتی که یهود بدان گرفتار شده اشاره کرده، می‌گوید: «و درخشم خدا مسکن گزیده‌اند، و مهر بیچارگی بر آنها زده شده» (و باؤابغضب من الله و ضربت علیهم المسکنة)

---

#### تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۷۰

«باؤا» در اصل به معنی «مراجعت کردند، و منزل گرفتند» می‌باشد، و در اینجا کنایه از استحقاق پیدا کردن است، یعنی قوم یهود بر اثر خلافتاری خود مستحق مجازات الهی شدند و خشم پروردگار را همچون منزل و مکانی برای خود انتخاب کردند.

«مسکنت» به معنی بیچارگی است، مخصوصاً بیچارگی شدید که راه‌نجات از آن مشکل باشد، و در اصل از ماده سکونت گرفته شده زیرا افراد مسکین کسانی هستند که بر اثر ضعف و نیاز قادر بر حرکت و جنبشی از خود نمی‌باشند.

ضمناً باید توجه داشت که مسکین تنها به معنی نیازمند از نظر مال و ثروت نیست، بلکه هر نوع بیچارگی آمیخته با ضعف و ناتوانی در مفهوم آن داخل است. بعضی معتقدند که تفاوت «مسکنت» با «ذلت» این است که ذلت جنبه تحمیلی از طرف دیگران دارد در حالی که مسکنت حالت «خود کم بینی درونی» خود شخص را می‌رساند.

به این ترتیب جمله فوق می‌گوید: یهود بر اثر خلافتاریها نخست از طرف دیگران مطرود شدند و به خشم خداوند گرفتار آمدند و سپس تدریجاً این موضوع به صورت یک صفت ذاتی در آمد بطوری که با تمام امکاناتی

که دارند باز در خود یک نوع احساس حقارت می کنند و به همین دلیل در ذیل این جمله در آیه استثنائی دیده نمی شود.

در پایان آیه، دلیل این سرنوشت شوم یهود بیان شده، می فرماید اگر آنها به چنین سرنوشتی گرفتار شدند، نه بخاطر نژاد و یا خصوصیات دیگر آنهاست، بلکه بخاطر اعمالی است که مرتکب می شدند، زیرا اولاً «آیات خدا را انکار می کردند» (ذلک بانهم کانوا یکفرون بآیات الله) و ثانیاً اصرار در کشتن رهبران الهی و پیشوایان خلق و نجات دهندگان بشر،

---

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۷۱

یعنی انبیای پروردگار داشتند و «پیامبران را به ناحق می کشتند» (ویقتلون الانبیاء بغير حق)

و ثالثاً آلوده انواع گناهان مخصوصاً ظلم و ستم و تعدی بحقوق دیگران و تجاوز به منافع سایر مردم بوده اند و اگر چنین ذلیل شدند «به خاطر آن است که گناه می کنند و به حقوق دیگران تجاوز می کنند» (ذلک بما عصموا و کانوا یعتدون).

و مسلماً هر قوم و ملتی دارای چنین اعمالی باشند سرنوشتی مشابه آنها خواهند داشت.

### سرنوشت خطرناک یهود

تاریخ پر ماجرای یهود، آنچه را در آیات فوق گفته شد، کاملاً تأیید می کند، وضع کنونی آنها نیز گواه بر این حقیقت است، و اینکه در آیات فوق خواندیم «ضربت علیهم الذلة، مهر ذلت بر آنها زده شده است یک حکم تشریعی نیست آنچنانکه بعضی از مفسران گفته اند، بلکه یک فرمان تکوینی و حکم قاطع تاریخ است، که هر قومی غرق در گناه شوند، و تعدی به حقوق دیگران جزو برنامه آنها باشد، و در از بین بردن رهبران نجات بشریت کوشش داشته باشند، دارای چنین سرنوشتی خواهند بود، مگر اینکه در وضع خود تجدید نظر کنند، و از این راه بازگردند و یا با وابستگیهایی که به دیگران پیدا می کنند چند روزی به حیات خود، ادامه دهند. حوادثی که این روزها در کشورهای اسلامی می گذرد، و موضع گیری خاص صهیونیسم در برابر مسلمین و قرار گرفتن آنها در زیر چتر حمایت دیگران و عوامل گوناگونی که موجودیت آنها را تهدید می کند، همگی شاهد گویای واقعیتی است که از این آیات استفاده می شود. شاید تجربیات تلخ گذشته،

و حوادثی که اخیراً مسیر تاریخ آنها را عوض کرده سبب شود که در برنامه‌های دیرین خود تجدید نظر کنند، و از در صلح و دوستی با اقوام دیگر در آیند، و زندگی مسالمت‌آمیزی با دیگران بر اساس احترام به حقوق آنها، و رفع تجاوز از آنان داشته باشند.

بعد ←

↑ فترت

→ قبل